

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"خمر بلا یای الهی را غنیمت دان. این کأس نصیب هر نفسی نه، قسمت واصلان است و نصیب مقربان.."

یادنامهٔ فاضل یزدی ص ۷۶

عنوان: هردردی در راه او درمانی است بزرگ

قسمت روحانی

- ۱- ذکر دسته جمعی "محتاجیم ومنتظر تأیید تو... " ۵ بار در صورت امکان با استفاده از cd
- ۲- لوح و مناجات (میتواند توسط ۲ نفر اجرا شود لوح مبارک زیارت وبه دنبال آن مناجات تلاوت گردد)
- ۳-- مجموعه نصوص حضرت بهاء الله
- ۴- مجموعه نصوص مبارکهٔ حضرت عبدالبهاء
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۶- قسمتی از بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله
- ۷- بخشهایی از بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله
- ۸- جنبه روحانی وقایع مهد امرالله
- ۹- شعر
- ۱۰- شور و مشورت

قسمت اجتماعی

- ۱۱- الفت و پذیرائی
- ۱۲- مناجات خاتمه

با تقدیم تحیات

برنامه ای که تحت عنوان " هر دردی در راه او درمانی است بزرگ " تهیه گردیده است قصد دارد که با توجه به آثار مبارکه الهیه و هدایات ربانیه این حقیقت را متذکر دارد که گرچه ممکن است طوفان بلایا به اشکال مختلف جامعه بهائی را احاطه نماید و افراد فداکار این جامعه را به سختی و بلا گرفتار سازد، ولی مطمئنا استقامت سازنده ایشان در برابر این بلایا و تحملی که از خود بروز داده و می دهند، می تواند نقش مهمی در تحقق نقشه الهی و استقرار این آئین نازنین بر کره ارض ایفاء نماید .

این برنامه فرصت مناسبی است برای یاد نمودن از تمامی عزیزانی که در این ایام گرفتار امتحانات عدیده بوده وهستند.

جوانان عزیزی که با هزاران عشق و امید چشم بر آینده دوخته و با تلاشی بی وقفه سعی در کسب موقعیتی برای تحصیل علم و کمال داشته اند و بواسطه ظلمی وصف ناپذیر با محرومیت از تحصیل مواجه شده اند.

عزیزانی که طعم بی عدالتی را در سجن و اسارت چشیده اند و یا عزیزان خود را در چنگال ظلم اسیر یافته اند.

مؤمنینی که از کسب معاش از مشروعتترین طریق ممکن منع شده اند و برای کسب روزی حلال تمسک به صدق و راستی را تنها مسیر صحیح دانسته اند.

عزیزانی که جان و مال و دارائی خود را در طبق اخلاص نهاده و همه را فدای حقیقت نموده اند.

و تمامی عزیزانی که با وجود تحمل محرومیتهای بسیار خدمت به تعداد کثیر را سرلوحه تمامی اقدامات خود قرار داده اند و نامهربانی را با عشق و محبت پاسخ داده اند و هر یک مخاطب این بیان مبارک مولایمان حضرت عبدالبهاء قرار گرفته اند که می فرمایند:

" مژده استقامت دوستان و اماء رحمن مانند نسیم ازهار و نفحه اسحار مشام وجدان را معطر نمود . آفرین بر آن نفوس مقدسه منجذبه که مانند سد آهنین چنین ثبوتی آشکار نمودند . "

جانتان خوش باد

۲- لوح و مناجات:

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"...رنج را در راه حضرت یزدان راحت دان . هر دردی در راه او درمانیست بزرگ و هرتلخی ، شیرینی و هر پستی ، بلندی . اگر مردمان بیابند و بدانند جان رایگان در راه این رنج می دهند . این رنج مفتاح گنج است اگر در ظاهر منکر است ، در باطن پسندیده بوده و هست ... اگر بیرنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری شده قرائت نما:

الهی الهی اشهد بفردانیتک و وحدانیتک اسئلک یامالک الاسماء و فاطر السماء بنفوذ کلمتک العلیاء و اقتدار قلمک الاعلی آن تنصرنی
برایات قدرتک و قوتک و تحفظنی من شرّ اعدائک الذّین نقضوا عهدک و میثاقک انک انت المقتدر القدیر .

یاران پارسی ص ۹

۱۲- مناجات خاتمه:

هُوَ اللهُ

یکتا خداوند مهربانا هر چند استعداد و قابلیت مفقود است و مشکلات استقامت در بلا یا غیر محصور ولی قابلیت و استعداد امریست موهوب تو خدایا استعداد بخش و قابلیت ده تا به استقامت کبری موفق آئیم و از این جهان و جهانیان درگذریم و نار محبتت بر افروزیم و مانند شمع بسوزیم و بگدازیم و روشنی بخشیم ای رَبِّ ملکوت از این جهان اوهام برهان و به جهان بی پایان برسان از عالم ناسوت بیزار کن و به مواهب ملکوت کامکار فرما از این نیستی هستی نما برهان و به هستی حیات ابدیه موفق فرما سرور و شادمانی بخش و خوشی و کامرانی عطا فرما دلها را آرام بخش و جانها را راحت عطا کن تا چون به ملکوت صعود نمائیم به لقای فائز گردیم و در انجمن بالا مسرور و شادمان باشیم توئی دهنده و بخشنده و توانا . ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۱۱۷

لازال بلایا مخصوص اصفیای حق بوده و خواهد بود

"از مصائب وارده مکدر مباشید چه که لازال بلایا مخصوص اصفیای حق بوده و خواهد بود پس نیکو است حال نفسی که به ماورد علیّه راضی و شاکر باشد چه که وارد نمی شود بر نفسی من عندالله الا آنچه از برای آن نفس بهتر است از آنچه خلق شده مابین سموات وارض و چون ناس بر این سرّوستر آن آگاه نیستند لذا در موارد بلایا خودرامحزون مشاهده می نمایند لم یزل و لا یزال بر مقرر اطمینان ساکن باشید و از آثار عرفان مرزوق"

مائدة آسمانی ج ۸ ص ۱۰۹

به عروة الوثقی صبر باید تمسک جست

"درهیچ وقت و احیان از نزول بلایا و محن محزون نباید بودواز ظهور قضایا و رزایا مهموم و مغموم نشاید شد بلکه به عروة الوثقی صبر باید تمسک جست و به حبل محکم اصطبار تشبث نمود. زیرا اجر و ثواب هر حسنه را پروردگار به اندازه و حساب قرار فرموده مگر صبر را که می فرماید: "انما یوفی اجرهم بغير حساب..."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۶۹

جمع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح

"در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گمان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفسرند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح"

مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ص ۳۷۰

هر چه امر عظیم و بزرگ است بلایا و محن او بزرگ

باید اولیای حقّ به مقام و شأنی فائز شوند که شئونات جبابره و اشارات فراعنه که در مقامی به علمای مُنکرین و در مقامی به مُعرضین اهل بیان نامیده می شوند ایشان را از کوثر الهی منع ننماید . هر چه امر عظیم و بزرگ است، بلایا و محن او بزرگ و لکن امروز بلایا و محن دیده نمی شود ، چه که سماء فضل مرتفع است و بحر عنایت ظاهر . اگر از جهتی کؤوس بلایا و رزایا مشاهده شود، از جهة آخری طلعة ابهی با ید بیضا کوثر بقا عطا می فرماید . اگر نعیق مرتفع است، رحیق هم جاری و ساری .

آیات الهی ج ۲ ص ۱۱۵

گمان مفرما که در این دنیا نفسی نَفَسِ راحتی کشید

هر چند در این جهان فانی شادمانی نیافتی و کامرانی نمودی هیچ صبحی شکفته و خندان نبودی و هیچ شامی با سر و سامان نگشتی ولی خبر نداری که همه رفقا گرفتار این بلا. گمان مفرما که در این دنیا نفسی نَفَسِ راحتی کشید و یا دمی شبمی از دریای راحت یافت. حوادث زمان و وقایع امکان همواره در کمین است و صیاد تقدیر وقضا، گوشه نشین. با وجود این چگونه انسانی غریق آسایش و راحت گردد... باری الحمد لله یاران تسلّی عظیم دارند و تشقّی صدور در موارد بلاء عقیم، زیرا از راحت جان و کام دل در این جهان منقطعند بجهان دیگری برده‌اند در مورد بلا چون الطاف جمال ابهی بخاطر آرند هر تلخی شیرین گردد و هر سمّ نقیع شهد و انگبین شود.

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۴۵

یاران الهی باید درکمال حکمت به استقامتی قیام نمایند که کلّ احزاب حیران مانند

"در این ایام که طوفان امتحان امکان را احاطه نموده، یاران الهی باید درکمال حکمت به استقامتی قیام نمایند که کلّ احزاب حیران مانند. لهذا مژده استقامت دوستان و امام رحمن مانند نسیم ازهار و نفعه اسحار مشام وجدان را معطر نمود. آفرین بر آن نفوس مقدسه منجذبه که مانند سدّ آهنین چنین ثبوتی آشکار نمودند. ما بندگانیم جان و دل بر کف تا در ره جانان نثار نمائیم و این را اعظم مواهب حضرت رحمن شماریم، در وقت سکون اریاح هر شمعی روشن است ولی چون باد اشتداد یابد، هر چراغی مانند مشعل است، برافروزد و شعله بیشتر زند."

یادنامه بیضاء نورا ص ۴۱

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

باید بر اسیران نفس اماره رحم نمود و از برای ایشان طلب عفو کرد

"احبای الهی باید که آن ستمکاران را خیرخواه شوند و از خدا عفو و غفران طلبند و در مقابل چنان معامله نمایند که هر کس از مهربانی ایشان حیران ماند زیرا آن نفوس بیچاره مانند گرگان، در دست نفس اماره اسیر و گرفتار، لهذا باید بر اسیران رحم نمود و از برای ایشان طلب عفو کرد، هر ستمگر چنان به نائره غضب افروخته است که زمام از دستش رفته. سُبُعیت او را مجبور بر غرور نموده که مانند مست مخمور از کردار خویش ممنون و مسرور است، باید بر این نفوس رحم نمود و سیئات را به حسنات مقابل نمود، شأن یاران الهی چنین است و روش و سلوک روحانیان، چنان. دعا کنید و به درگاه احدیت فَرَزِع و جَزَع نمائید که این نفوس را از این خونخوارگی نجات دهد و به اخلاق آسمانی حیات بخشد."

یادنامه بیضاء نورا ص ۵۲

اما آنچه اهميت دارد اينست که ملاحظه کنيم که هزاران نفر از بهائيان زن و مرد و کودک در سراسر کشور در مقابل آن هجوم با تمام وجودشان ايستادگی نمودند. به بهای جان ترک ايمان نگفتند و همين مقاومت بهائيان ايران الهام بخش همکيشانشان در سراسر جهان شد و تمسک و تعلقشان را به امر الهی که چنان فداکاری هائی را به وجود آورده بود صد چندان افزايش بخشيد. فقط بهائيان نبودند که از چنان وقایع هولناکی تأثر پذيرفتند. حتی دهها سال پيش از آن فی المثل در سال ۱۸۸۹ یکی از معاريف اهل غرب در باره حماسه پيشقدمان جانباز امر بهائی چنين نوشته و در شرح بليّات و مصائبی که بر آنان وارد آمده چنين پيش بينی نموده است:

در زندگی و مرگ اميد اين جانبازان یأس و حرمان نمی پذيرد و آتش عشقشان خاموش نمی شود، استقامت و پياداريشان تزلزل نمی گيرد. اين است که اين نهضت بدیع را ممتاز می سازد... پياداری در زير چنان شکنجه ها و عذاب ها آسان نيست. پس شايسته است که درباره چیزی که به اعتقاد اين جانبازان حیات حقیقی بود تحقيق نمائيم. در باره نفوذی که به عقیده من يقيناً ... در آینده خواهد داشت سخنی نمی گويم و نيز از جان تازه ای که شايد اين نهضت در مردمی مرده بدمد چیزی نمی نویسم، اما چه توفيق نصيب آن نهضت شود و چه به شکست بيانجامد جانبازی و حماسه ای که شهيدان بابی آفرينند جاودانی و شکست ناپذير است... چیزی که اميد ندارم بتوانم هرگز بر گفتنش توانا گردم صميميت و صداقت و خلوص نيّت و نيز نفوذ اين صميميت و سجايای ديگر اين جانبازان است که در هر کس که نزديکشان آيد تأثير شديد می نمايد.

چنين سخنان پيش در آمد همان احساساتی است که در سال های انقلاب اسلامی از طرف افراد غير بهائی شنیده شد که خود یکی از علل نيرومندی بود که امر حضرت بهاء الله را از پرده مجهوليت بدر آورد. جنبه روحانی وقایع مهد امرالله در سخنانی که مذکور شد کاملاً پيدا است يعنی افکار و آراء خارجيان گذشته از انزجاری که از ظلم و ستم بيمعنی و ابلهانه اصحاب تعدی يافتند به نحوی روزافزون از رفتار و مقابله بهائيان ايران در مقابل آن مظالم متأثر گرديدند. متأسفانه قرن بيستم شاهد مصائب و مظلومی است که به مظلومان بی شماری وارد آمده است. اما آنچه وضع بهائيان را از اوضاع نظيرش به کلی ممتاز و يگانه می سازد همين رفتاری است که در مقابله با مصائب از خود نشان داده اند. بهائيان ايران از آنچه که معمولاً مظلومان را به زانودرمی آورد سر باز زدند و بهائيان بودند که با پيروی از مؤسسان مقدّس آئينشان بر دشمنانشان تفوق اخلاقی يافتند و ثابت کردند که اين دادگاه های انقلاب يا پاسداران انقلاب نبودند بلکه بهائيان بودند که شرايط مقابله فيما بين را تعيين نمودند و چنين پيروزی شگفتی بود که غير بهائيان را شيفته خود ساخت. جامعه ستم ديده بهائی نه بر ظالمين حمله ای روا داشت و نه از اين بحران متوقّع منافع سياسی گرديد و نه مدافعان بهائی در ديگر کشورها خواهان تغيير قانون اساسی ايران شدند و نه طالب انتقام گشتند. آنچه توقع داشتند عدالت بود و خواهان حقوقی بودند که در اعلاميه حقوق بشر مدوّن است.

قرن انوار ص ۹۹-۱۰۰

تحمّلات آنان (احباء) خدمتی بعالم انسانی است و سبب ترویج عزّت الهی و اما ابتلای سایرین فاقد این مقام جلیل:

"در عالم خلقت کمال مطلق یافت نشود و هیچ مخلوقی از ملال خالی نباشد هیچ تنی از اندوه و کلال فارغ نه هر که بامش بیش برفش بیشتر درویش را غم نانی جهانیان را غم جهانی یکی مبتلای مشاغل سیاسی است یکی دچار زحمات تجاری و یا زراعی بعضی غریق مصائب قومی و وطنی و جمعی اسیر انقلابات مذهبی و هر یک را گمان چنان که اگر در آن طریق مخصوص سیر و سلوک نینمود بآن گونه بلایا مبتلا نمیشد بلی نوع بشر اگر عموماً مطابق قانون و ناموس جلیل اکبر روش و سلوک مینمودند بی شبهه هر زحمتی برحمت مبدّل میشد و هر نعمتی به نعمت تبدیل میگشت ولی من دون آن البتّه وقوع صدمات و مشکلات برای هر طبقه یقین است و حدوث ناملایمات و مصیبات حتمی. نهایت کسانیکه در سبیل الهی تحمّل بلایا کنند و در اجرای تعالیم مقدّسه قبول رزایا نمایند این تحمّلات آنان خدمتی بعالم انسانی است و سبب ترویج عزّت الهی و اما ابتلای سایرین فاقد این مقام جلیل و فیض عظیم پس خوشا بحال آن وجود با سجود که در خدمت عالم انسان صدمات شدید دیدید و بلایای عدیده تحمّل فرمودید مطمئن بفیض عالم بالا باشید و دل بروابط رحمانیّه و عنایات صمدانیّه بندید و تغییرات آفرینش را مایه وجد و نشاط سازید و وسیله طرب و انبساط کنید از فیوضات حضرت احدیّه استدعا میشود که هم عقیدت کامله عنایت شود و هم وسعت و برکت آسمانی مبذول گردد تا با سرور جان پرور زندگی از سر گیرند و کام جان را شیرین تر از شهد و شکر نمایند و با ایمان و عمل صالح و صبر کامل تشبّث نمایند."

میقات رفع تضيیقات و آزادی امرالله مجهول

"راجع به طول مدت تضيیقات حالیه سؤال نموده بودید فرمودند بنویس، میقات رفع تضيیقات و آزادی امرالله و استقلال شریعة الله مجهول و علمش عندالله، ولی ثبات و استقامت یاران تأثیری عظیم و نفوذی شدید در وقایع حالیه و کیفیت ظهور وعود الهیه و اعلان شریعت سماویه دارد."

امروخلق ج ۴ ص ۴۸۲

این انقلاب روحانی عظیم در رأس موعده معین عالم انسانی را احیاء خواهد نمود

"درست است که هر وقت ترقی تدریجی امرالهی را با اعتلاء فوری برخی مسائل دنیوی مقایسه کنیم تقدّم امرالله را بطئی ودرکمال تأتی مییابیم ولی فرق در این است که احبای الهی با تمامی دل و جان معتقدند ویقین دارند وادنی شائبه شک و ریب دردل راه نمی دهند که انقلاب روحانی عظیمی که حق سبحانه و تعالی بوسیله ما ضعفاء درقلوب عباد ایجاد فرموده درکمال قوت وصلاحیت درتقدّم و تعالی است و در رأس موعده معین عالم انسانی را احیاء خواهد نمود..."

گوهریکتا ص ۱۱۸

۹-شعر

استقامت (کوزه گر) / عبّاس رئوفی آرانی

کوزه گر در پنجه‌هایش می‌فشارد خاک را
تا جدا سازد از آن، ناخاله ناپاک را
خاک می‌نالد از این رنج و عذاب کوزه گر
کوزه گر از خاک در ذهنش، ولی، نقشی دگر

آب می‌بندد به خاک و خاک خود گِل می‌کند
خاکِ غافل شکوه از رفتار باطل می‌کند
گِل به دست کوزه‌گر در چرخ می‌گیرد قرار
چرخ می‌گردد به میل کوزه‌گر، گِل در هوار
نرم نرمک گِل سبو می‌گردد از دستان پیر
لیک انگار این سبو در گرد و خاک خود اسیر
می‌گذارد کوزه‌گر در کوره ظرف خام را
پخته باید شد به آتش تا دهندش نام را
داغی کوره ز گِل اینک سبویی ساخته
کوزه‌گر بر پیکرش نقش و نگاری بافته
چشم خاک از این همه تغییرها پوشیده است
کوزه‌گر در ساختن از جان و دل کوشیده است
لعبتی طناز می‌گیرد به دوشش آن سبو
گِل کجا؟ بالا نشستن روی دوش ماهرو
در کنار چشمه‌ای گِل عکس خود در آب دید
وندر آن تصویر زیبا جنس خود در قاب دید
گفتش از جنس منی؟ خاکی و پاکی؟ چیستی؟
گفت تو هستم تو دگر آن خاک سابق نیستی
استقامت در بلا از خاک می‌سازد طلا
فرق دارد خاک کوفه با تراب کربلا
رنج ظاهر گنج پنهان ترا آراسته
کوزه‌گر از جنس تو همچون منی را ساخته
خاک زیر پا بُدی، اما تحمّل داشتی
با تحمّل پا به دوش لعبتان بگذاشتی
- - - - -
گوزه‌گر از دور می‌بیند سبو و آب پاک
آب می‌ریزد دوباره لابلای خاک پاک

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"دروقت سکون اریاح هر شمعی روشن است ولی چون باد اشتداد یابد، هرچراغی مانند مشعل است، برافروزد و شعله بیشتر زند."

امرنانین الهی از ابتدای تولد در سرزمین مقدس ایران همواره مورد عداوت و دشمنی قرار گرفته است و بالطبع مؤمنین این آئین نیز به اشکال گوناگون مورد ظلم و بیعدالتی بوده اند و مرور ایام نیز از شدت این عداوت نکاسته است

گروهی جان و مال بر سر این حقیقت باخته اند و گروهی دیگر چشم بر ترقیات اجتماعی و اقتصادی متداوله بسته اند. نفوسی به پاس زحماتشان برای این مرز و بوم واعتلاء فرهنگ آن به زندان کین افتاده اند و گروهی دیگر حتی از کسب معاش به عنوان اولین حق حیات باز مانده اند. چه بسیار جوانان نازنین که از سالهای دور تا کنون آمال و آرزوهایشان را در کسب علم و کمال بر باد رفته دیده اند و از تحصیل علم که اعظم منقبت عالم انسانیت بازمانده اند. و چه بسیار کودکانی که پاداش زحمات پدران و مادرانشان را در مسیر تعالی انسانیت در راهروهای تنگ زندانها دریافت داشته اند. بسیارند نفوسی که سالهاست در فراق عزیزانشان روزها را به شب رسانده اند و کثیرند پدران و مادرانیکه به عشق آزادی فرزندانشان، با زمزمه های دعا و نیایش شب را به صبح برده اند. وهمه بر این باورند که به فرموده حضرت ولی محبوب امرالله

"انقلاب روحانی عظیمی که حق سبحانه و تعالی بوسیله ما ضعفاء درقلوب عباد ایجاد فرموده درکمال قوت و صلابت درتقدّم و تعالی است و در رأس موعّد معین عالم انسانی را احیاء خواهد نمود ..."

حال در این ایام که میتوان ثمرات هرچند کوچک این ابتلائات را در همدلی و همراهی گروهی از نویسندگان و روزنامه نگاران، هنرمندان، روحانیان نیک اندیش، مدافعان حقوق بشر فعالان سیاسی ومدنی و "ایرانیان برومند از هر طبقه و قشری" با جامعه بهائی مشاهده نمود فرصت مناسبی است که بیندیشیم و با یکدیگر به مشورت پردازیم که

"چگونه می توانیم بحرانها و تضییقات وارده را به پله های پیروزی (از دو جنبه فردی و اجتماعی) تبدیل نمائیم؟"